

نقش فضاهای شهری در خلق الگوهای رفتاری ناهنجار با تأکید بر عامل پیش‌گیری از وقوع جرم در محله چهارباغ منطقه ثامن مشهد

حجت حاتمی‌نژاد^۱

دکتر حسین حاتمی‌نژاد^۲

دکتر کرامت‌الله زبیری^۳

دکتر احمد پورا احمد^۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۰۴

چکیده

فضاهای شهری یکی از تأثیرگذارترین عوامل در هدایت الگوهای رفتار فردی و اجتماعی افراد هستند. تمامی رفتارهای انسان در فضاهای معینی شکل می‌گیرد که بستر رفتار به‌شمار می‌آیند. از همین رو، با ارتقای کیفیت محیط می‌توان از بروز رفتارهای ناهنجار تا حدی جلوگیری کرد. ایجاد محیط دفاعی با نظر به ترکیب دو جنبه فیزیکی و روان‌شناسی به‌طور هم‌زمان، جوهر و اساس مفهوم پیش‌گیری جرم از طریق طراحی محیطی را تشکیل می‌دهد. برخی مکان‌ها به‌دلیل ساختار کالبدی خاص، نوع فعالیت و ویژگی‌های ساکنان آن مکان، فرصت بیشتری را برای وقوع جرم فراهم می‌کنند. هدف کلی از انجام این تحقیق دستیابی به الگویی از برنامه‌ریزی و طراحی شهری به‌منظور جلوگیری از خلق الگوهای رفتاری ناهنجار به‌ویژه جرم در محله چهارباغ منطقه ثامن مشهد است. محله چهارباغ یکی از محله‌های قدیمی بافت اولیه و پیرامون حرم مطهر رضوی است که از ساختار کالبدی نامناسبی برخوردار است و میزان وقوع جرم در این محله بسیار بالاست. روش تحقیق در این مقاله توصیفی-تحلیلی و از نوع کاربردی است که با استفاده از روش کتابخانه‌ای و میدانی، داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز جمع‌آوری شده است. همچنین نظرات و دیدگاه‌های شهروندان به کمک ابزار پرسش‌نامه، مصاحبه و مشاهده جمع‌آوری و سپس با روش‌های آمار ناپارامتریک از جمله آزمون تی و معادلات ساختاری به تحلیل استنباطی داده‌ها پرداخته شده است. با توجه به جمعیت سال ۱۳۹۵ این منطقه که معادل ۱۳۸۴۹ نفر است و با کمک فرمول تعیین حجم نمونه کوکران تعداد ۳۸۱ پرسش‌نامه در این محدوده مورد پرسش‌گری قرار گرفته است. نتایج به‌دست‌آمده در این تحقیق نشان می‌دهد عوامل مختلفی از جمله درآمیختگی کالبدی و محیطی در فضاهای شهری و کیفیت نامناسب بافت بر وقوع جرم نقش مؤثری دارند، همچنین بین مؤلفه‌های کالبدی در برنامه‌ریزی شهری و مسئله وقوع جرم رابطه معناداری وجود دارد، به‌طوری که کالبدهای نامناسب و بدون فرم و با شکل نامنظم بر وقوع جرم می‌افزایند.

واژگان کلیدی: فضای شهری، بافت کالبدی، الگوی رفتاری ناهنجار، پیش‌گیری از جرم، محله چهارباغ منطقه ثامن مشهد.

^۱ دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران

^۲ دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران

^۳ استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران، تهران

^۴ استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران، تهران

۱- مقدمه

از دهه ۱۳۰۰ به بعد در شهرهای ایران تغییرات کالبدی چشم‌گیری به وجود آمد. همه این تغییرات در رابطه با ساخت اجتماعی و اقتصادی جامعه و قرار گرفتن ایران در سیستم سرمایه‌داری جهانی قابل بررسی است (نصرالهی و همکاران، ۱۳۹۲، ۱). با توجه به رشد و گسترش روند شهرنشینی، می‌توان دریافت که شهرنشینی دارای پیامدها و تبعات گوناگونی برای ساکنان آن است که در این میان، امنیت و احساس امنیت، دارای نقش اساسی در مطلوبیت زندگی به‌شمار می‌آیند (مرصوصی و عظیمی، ۱۳۸، ۱۳۹۶). در این زمینه، می‌توانیم ویژگی‌ها یا عوامل مؤثر بر پیدایش رفتار مجرمانه را در شهر به دو بخش عوامل یا ویژگی‌های کالبدی یا ویژگی‌های غیرکالبدی تقسیم کنیم؛ به عبارت دیگر، در صورت پیدایش ناهنجاری در هر بخش از یک شهر می‌توان این فرضیه را پذیرفت که آن ناهنجاری ممکن است به پیدایش رفتار مجرمانه نیز بینجامد (سردری و همکاران، ۱۳۹۲، ۴۶۴). عوامل فیزیکی گوناگون از قبیل سر و صدا، آب و هوا و فضاهای محصورشده، به‌طور مداوم بر انسان تأثیر می‌گذارد. بنابراین می‌توان محیط را یکی از عواملی دانست که نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری رفتار انسان دارد. حوزه محیط بر رفتار به‌صورت عام و رفتارهای مجرمانه به‌صورت خاص، برآیند چند رشته است. از این رشته‌ها می‌توان به رشته‌های گوناگون مانند روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، جغرافیا، زیست‌شناسی و... و نیز متخصصان رشته‌های کاربردی یا عملی مانند معماری، برنامه‌ریزی شهری و اجتماعی، طراحی داخلی، طراحی فضاهای اداری و طراحی منظر اشاره کرد. با شناخت تأثیر محیط بر انسان و استفاده از علوم مختلف، می‌توان اقدام به برنامه‌ریزی و طراحی مناسب نمود. امروزه در شهرها و جوامع بزرگ که شلوغی و گمنامی از خصوصیات آنهاست، این فضاها محیطی مناسب برای پناه گرفتن مجرمان محسوب می‌شوند. در این شهرها مردم یکدیگر را نمی‌شناسند و این امر به مخفی ماندن جرایم کمک می‌کند. افزایش میزان جرم و جنایت، برنامه‌ریزان، معماران و شهرسازان را به فکر دست‌یابی به راه‌حل مناسبی در جهت پیش‌گیری از جرم انداخته است. مسلماً پیش‌گیری از جرم از طریق طراحی محیط چیزی فراتر از استفاده از حصار است. بنابراین در بحث پایداری شهرها یکی از عوامل مهم تأثیرگذار در رشد و توسعه شهرها موضوع امنیت است (گنجی، ۱۳۹۵: ۲). مدیریت شهرهای امروزی، نمایانگر بینش مدیران در نحوه اداره شهر و به‌ویژه شهروندان در نوع استفاده از فضاهای شهری است. به همین جهت فضا و منظر شهری باید در انطباق با نیازها و الگوهای رفتاری شهروندان مورد ارزیابی و طراحی قرار گیرد، بنابراین نمی‌توان بدون بررسی نحوه و چگونگی رفتارهای شهروندی، انتظار ایجاد فضاهای شهری منعطف، همه‌شمول و در عین حال پاس‌خگو برای شهروندان را داشت (رستم‌زاده و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۷۵). همان‌طور که در بالا عنوان شد، فضاهای شهری محل برخورد رفتارها، افکار و در عین حال محل رفع برخی از نیازهای روزمره شهروندان است (پاکزاد و بزرگ، ۱۳۹۱: ۴۳) در هر حال الگوهای رفتاری، محیط‌های خاص خود را برای بروز یا کنترل احتیاج دارند (لطیفی و

همکاران، ۱۳۹۳: ۱۰) چراکه رابطه انسان بدون محیط کاملاً بی‌منطق و نامفهوم خواهد بود و رفتار انسان تا حدود زیادی به محیطی که در آن زندگی می‌کند وابسته است (اربابی، ۱۳۷۹: ۱۱). فضای شهری مفهومی متعالی‌تر از یک فضای معمولی و ساده است. به گونه‌ای که علاوه بر پوشش خصیصه‌های کلی یک فضا، معیارهای زیباشناختی و ارزش‌های پیچیده اقتصادی و اجتماعی را نیز شامل می‌شود (رفیعیان، ۱۳۸۸: ۲۲۸). نحوه رفتار مردم در فضا (شهر) شامل تعاملات آنان با یکدیگر در فضا (خطیبی، ۱۳۹۰: ۶۶) و شهروندان بنا به هدفی که دارند، رفتارهای گوناگونی را از خود بروز می‌دهند. در روان‌شناسی محیطی، رفتار انسان تحت تأثیر عواملی چون عوامل فیزیکی محیط، داده‌های نمادین، داده‌های طراحی و روح محیط قرار دارد. به‌طور متقابل انسان نیز با رفتار خود که ناشی از جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و شخصیتی است بر محیط تأثیر می‌گذارد و آن را در جهت ارضای نیازهای فیزیولوژیک و اجتماعی خود دگرگون و فضا را سامان‌دهی می‌کند (امین‌زاده و همکاران، ۱۳۸۱: ۴۵). زوکین در کتاب فرهنگ شهرها می‌گوید: فضاهای شهری به اندازه کافی برای مردم امن نیستند تا آن‌ها در خلق فرهنگ عمومی مشارکت داشته باشند (نایی و سلیمانی، ۱۳۹۶: ۳). از طرفی فضاهای عمومی شهر مکان‌هایی هستند که به عموم شهروندان تعلق دارند و منحصر به جنبه‌های کالبدی و فیزیکی نیستند و درحقیقت با حضور و فعالیت انسان است که معنا پیدا می‌کنند. فضاهای شهری بستری گسترده از ساختارهای ارتباطی خرد و کلان، تعارضات اجتماعی، انواع جرایم و خشونت‌های سازمان‌یافته را در خود جای داده است. نکته قابل توجه این است که میزان انواع جرایم و انحرافات اجتماعی در مناطق مختلف شهری متفاوت است، چراکه جرم دارای ظروف زمانی و مکانی منحصربه‌فردی است که در نتیجه رفتار مجرمانه در واحد مکان توزیع فضایی یکسانی ندارد. برخی مکان‌ها به‌دلیل ساختار کالبدی خاص، نوع فعالیت ویژگی‌های ساکنان آن مکان فرصت بیشتری را برای وقوع جرم فراهم می‌کنند و مجرمان انگیزه‌دار را که بر اساس انتخاب عقلانی، به دنبال کم‌ترین خطر و مناسب‌ترین فرصت‌ها و شرایط مکانی برای ارتکاب عمل مجرمانه هستند، به‌سوی خود جلب می‌کنند؛ بنابراین برخی از مکان‌ها و نقاط شهری هستند که مستعد جرم‌خیزی و بروز آسیب‌های اجتماعی‌اند (لحمیان، ۱۳۹۶: ۱۵۶). از آنجا که ویژگی مکان‌ها و موقعیت‌های وقوع جرم و رفتار آنومیک متفاوت است و هر فضای شهری ویژگی‌های منحصربه‌فردی دارد، عوامل وقوع جرم، دارای طیف‌هایی متنوع و متعدد است. با وجود این، می‌توان آن‌ها را به دو دسته کلی عوامل فضایی و کالبدی مؤثر و سایر تقسیم کرد. به‌طور کلی می‌توان گفت در پیدایش جرایم شهری، عوامل مختلف در سطوح متفاوت مؤثرند، اما هر فضای شهری از لحاظ ویژگی ممکن است بزهکاران را برای ارتکاب جرم در وضع مساعد یا نامساعدی قرار دهد (سروری و همکاران، ۱۳۹۲، ۴۶۴). از طرفی، آرامش و امنیت شهرها صرفاً به‌وسیله پلیس تأمین نمی‌شود، بلکه آرامش و امنیت عمدتاً به‌وسیله ایجاد شبکه‌ای پیچیده و تقریباً ناخودآگاهی از نظارت‌ها و رعایت داوطلبانه هنجارها درمیان خود مردم حفظ می‌شود و به‌وسیله خود مردم اجرا

می‌شود (نایبی، سلیمانی، ۱۳۹۶: ۴). نتایج برخی تحقیقات در شهر مشهد نشان می‌دهد ۵۵ تا ۶۴ درصد زائران، حداقل یک بار در محدوده حرم با مشکلاتی از قبیل سرقت یا گم شدن اموال، گم شدن همراهان، وجود افراد مزاحم و ... مواجه شده‌اند (موسوی و بهروان، ۱۳۸۱). در کلان‌شهر مشهد مسئله توجّه به نحوه طراحی و برنامه‌ریزی فضاهای شهری و تبیین سیستم الگوی رفتاری با توجّه به جمعیت انبوه ساکن در این شهر و موقعیت استراتژیک آن و قرارگیری بارگاه حرم مطهر رضوی در محدوده مورد مطالعه (محله چهارباغ) که باعث شده این شهر به کانون مهم گردشگری جهان اسلام تبدیل شود، نیازمند توجّه ویژه به طراحی فضاهای شهری و برقراری مدیریت یک پارچه شهری جهت ایجاد فضاهای دلنشین و موردپسند استفاده‌کنندگان و پیش‌گیری از وقوع انواع جرایم با راهکارهای طراحی و برنامه‌ریزی محیطی است. دیدگاه‌های استفاده‌کنندگان درباره امنیت فضاهای عمومی (اولویت‌ها)، در رده مهم‌ترین معیارهای اولویت‌سنجی و نیازسنجی این فضاهاست؛ بنابراین بررسی توسعه کیفی و کمی امنیت فضاهای شهری منطقه ثامن کلان‌شهر مشهد ضروری به نظر می‌رسد. از طرف دیگر، شهر مشهد به دلیل موقعیت خاص اجتماعی، فرهنگی و مذهبی و به‌عنوان بزرگ‌ترین شهر زیارتی کشور و پایتخت معنوی ایران، سالانه پذیرای میلیون‌ها زائر است که در فصول مختلف سال به این شهر سفر می‌کنند. تراکم جمعیتی زائرین، به‌خصوص در ایام تعطیلات نوروز و تابستان و یا اعیاد و مناسبت‌های مذهبی، به‌صورت ناگهانی افزایش می‌یابد. درصد بالایی از این زائران در حلقه اول اطراف حرم که بخش زیادی از منطقه ثامن را شامل می‌شود، اسکان می‌یابند. معابر و بازارهای شلوغ، تراکم جمعیت سیال و گمنام، بافت قدیمی، خانه‌های مخروبه که پناهگاه مناسبی برای فرار و پنهان شدن مجرمان هستند، پروژه‌های نوسازی اطراف حرم و غیره، همه عواملی هستند که باعث می‌شوند میزان وقوع جرم در این منطقه بالا باشد.

۲- مبانی نظری

فضا دارای مفاهیم متنوعی است و علوم مختلفی نیز از زوایای دید خود به تعریف آن پرداخته‌اند و گاه تفاوت این تعاریف و نگرش‌ها به حدی بوده است که کاملاً موارد متضادی را بیان کرده‌اند. برای نمونه، در عرصه هنر، فضا و تعریف آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا همه هنرها به‌نوعی درگیر خلق و تعریف فضا هستند و مسلماً هنر معماری و شهرسازی نیز از این قاعده مستثنا نیست. مفهوم فضا از بنیادی‌ترین مفاهیمی است که از روزگار باستان تاکنون ذهن اندیشمندان و متفکران را در خاستگاه‌های اصلی تمدن جهانی به خود معطوف داشته است. همواره سعی بشر بر آن بوده است تا ضمن تبیین موقعیت و جایگاه خود در مقابل این مفهوم فراگیر و پیچیده، به تبیین مبانی، شیوه‌های ادراک، نحوه ارتباط و درنهایت، نظام‌مند کردن آن بپردازد. اهمیت مسئله نیز از این نیاز بشر ناشی می‌شود که هر موجود انسانی برای بقا و استمرار حیات خود در جهان، نیازمند درک محیط (مادی و معنوی) پیرامون خود و تعامل با آن است و اساساً انسان بدون درک فضای

درب‌گیرنده خود و شناخت روابط حاکم بر آن و تعاملات فی‌مابین، قادر به ادامه زندگی نخواهد بود. بنابراین، می‌توان گفت که فضا یکی از مفاهیمی است که بیشترین ابهام برای تبیین و مرزبندی آن وجود دارد و همین امر گاه آن را به‌سوی درک‌ناپذیری سوق می‌دهد. دلیل آن است که فضا را باید پیش از هر چیز به مثابه مکانی «خالی» و تهی در نظر گرفت؛ جایی که هیچ چیز را در خود جای نمی‌دهد؛ به دیگر سخن، جایی در میان چیزها و اشیا. با این وصف، پدیده فضا را تنها می‌توان در حضور اشیا و در حالت پُر بودن آن، ولو به‌طور نسبی درک کرد. در عین حال، فضا را می‌توان و باید از خلال قابلیت (پتانسیل)‌های حرکت و یا فقدان چنین قابلیت‌هایی و چگونگی شکل گرفتن حرکت، جریان و یا سکون آن را درک کرد. هر کالبد با ورود به درون یک فضا، به‌نوعی وارد به اطاعت و تبعیت از آن می‌شود و فضا به‌نوعی آن را به تملک خود درمی‌آورد؛ تملکی که می‌تواند به‌شکلی دوسویه درآید و پیامدهای خاصی را نیز در خود دارد (فکوهی، ۱۳۸۳: ۲۳۲). راب کریر درباره‌ی تعریف و مفهوم فضای شهری نیز چنین می‌گوید: «اگر بخواهیم مفهوم فضای شهری را بدون تحمیل معیارهای زیباشناختی روشن کنیم، ناگزیریم فضاهای بین ساختمان‌ها را در شهرها و دیگر مکان‌ها فضای شهری قلمداد کنیم. این فضا از نظر هندسی با نمادهای گوناگون محصور می‌شود. فقط وضوح ویژگی‌های هندسی و کیفیت‌های زیباشناختی آن است که به ما اجازه می‌دهد آگاهانه فضای باز بیرونی را فضای شهری تلقی کنیم. فضای باز بیرونی به‌منظور تحرک در هوای آزاد و با تقسیمات عمومی، نیمه‌عمومی و خصوصی تعریف می‌شود» (کریر، ۱۳۸۳: ۱۵). در این تعریف، بیش‌ترین تأکید بر کیفیت کالبدی است. زوکر فضای شهری را ساختاری سازمان‌یافته، آراسته و واجد نظم به‌صورت کالبدی برای فعالیت‌های انسانی و استوار بر قواعد معین و روشن می‌داند، که این قواعد عبارت‌اند از: ارتباط میان شکل و بدنه ساختمان‌های محصورکننده هم‌شکل و یک‌دست، با متنوع بودن آن‌ها، ابعاد مطلق بدنه‌ها نسبت به پهنا و درازای فضایی که در میان گرفته‌شده و زاویه گذرها یا خیابان‌هایی که به میدان می‌رسند و سرانجام موقعیت و محل بناهای تاریخی، آب‌نماها و فواره‌ها یا عناصر سه‌بعدی دیگر که می‌توان بر آن‌ها تأکید کرد. بر اساس این خصوصیات مورد نظر زوکر، تعریف دیگری نیز ارائه شده است مبنی بر این که فضای شهری فضایی است که در آن ارتباطات ویژه بصری و حرکتی در فضایی با خصوصیات مورد نظر در تعریف زوکر، موجد فضای شهری است (توسلی، بنیادی ۱۳۷۱: ۱۸). در تعریف دیگری از فضای شهری چنین آمده است: «فضای شهری به مفهوم صحنه‌ای است که فعالیت‌های عمومی زندگی شهری در آن‌ها به وقوع می‌پیوندد. خیابان‌ها، میدان‌ها و پارک‌های یک شهر فعالیت‌های انسانی را شکل می‌دهند (بحرینی، ۱۳۷۷: ۳۱۳).



شکل (۱): انواع فضاهای شهری و سلسله‌مراتب آن (رضایی و برومند، ۱۳۸۷)

لوفور^۱ معتقد است که هر جامعه‌ای در تاریخ خود فضای اجتماعی مشخصی را ایجاد کرده که در این فضاها به کلیه نیازهای متنوع جامعه از تولیدات اقتصادی تا محصولات اجتماعی پاسخ داده می‌شده است. این توجه آشکار می‌سازد که چگونه فضای عمومی از طریق فرآیندهای اجتماعی تولید می‌شود و چگونه به رفتار سیاسی و جمعی و اجتماعی ما شکل می‌دهند. ما فضا را با دیگران تقسیم می‌کنیم و از این طریق با افرادی که دارای نژاد، مذهب، عقیده و سیاست و فرهنگ‌های متنوعی هستند، هم‌زیستی می‌کنیم. علاوه بر این که استفاده از فضاهای عمومی، ارزش‌های متعالی اجتماعی نظیر فستیوال‌های مردمی، اجتماعات، وقایع فرهنگی، تظاهرات سیاسی و مکانی را نیز نشان می‌دهند (پارسی، ۱۳۸۱: ۴۱-۴۹). بدین ترتیب فضای شهری عرصه تعامل میان انسان شهرنشین با محیط مصنوع پیرامونش است. قابلیت بازخوانی، مفهوم یابی و تبلور رفتاری کالبد شهری، بارزترین ویژگی این تعامل از منظر اجتماعی به‌شمار می‌رود (علی اکبری، ۱۳۸۵: ۱۵۲). فضاهای شهری باید توانایی حضورپذیری افراد را داشته باشند و شرایط حضور بدان معنی که شرایط ویژه‌ای باعث می‌شود ساده‌ترین مکان‌های شهری به نظرش خاطره‌انگیزترین فضاها تلقی شود و از حضورش در محیط لذت برد. امنیت واژه‌ای با ابعاد و شاخصه‌های ذهنی ویژه‌ای است که به آرامش و سکینه درون و احساس رضایت از آرامش و آسایش موجود در ساخت محیط اشاره دارد. در واقع سخن در این است که هر آنچه امن متصور می‌شود، باید بتواند آرامش و فراغت ذهن را فراهم کند، یعنی پدیدآور احساسی در انسان باشد که او را به‌سوی رهایی از بیم و هراس رهنمون سازد. بر این اساس می‌توان معنی زیر را بر مفهوم امنیت متصور شد: امنیت دارای معانی آرامش و آسایش و ایمنی است. (عمید، ۱۳۴۵: ۶) احساس امنیت در یک جامعه به احساس روانی شهروندان از میزان وجود یا عدم وجود جرم و شرایط جرم‌خیز در آن جامعه بازمی‌گردد و هر مقدار فراوانی جرم و شرایط جرم‌خیز بالاتر باشد، احساس امنیت شهروندان پایین‌تر است. (مستوفی‌الممالکی و بهرامی، ۱۳۹۳: ۹۷) مهم‌ترین نیاز از نظر روحی امنیت است که به‌عنوان مهم‌ترین هدف زندگی و جوهر سلامت روانی فرد

^۱ lefeuvre

تلقی می‌شود. در طبقه‌بندی نیازها که توسط مازلو به انجام رسیده است، امنیت پس از نیازهای فیزیولوژیک (آب و غذا و...) به‌عنوان دومین طبقه از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین نیازها معرفی شده است. مفهوم فضای شهری امن در مقابل مفهوم فضای شهری ناامن قرار دارد. ویژگی امن بودن فضا واجد دو مؤلفه است: الف) ایمنی و ب) امنیت. در مؤلفه ایمنی، اشاره به موارد و عوامل محیطی است که در صورت عدم تأمین شرایط مطلوب وقوع حوادث اجتناب‌ناپذیر است و خطرات به‌صورت بالقوه و بالفعل جان و مال حاضران، عابران و ناظران را تهدید خواهد نمود؛ مانند ایمنی در برابر آتش‌سوزی، آلودگی‌های زیست‌محیطی، حوادث رانندگی و حوادث غیرمترقبه. مؤلفه امنیت نیز اشاره به جرایم و رفتارهای آنومیکلی علیه اشخاص و اموال آنها دارد که در صورت عدم تأمین شرایط پیش‌گیری‌کننده، اموال و جان حاضران، عابران و ناظران را به‌صورت بالقوه و بالفعل تهدید خواهد نمود؛ مانند جرایم علیه اشخاص (قتل، تجاوز و...)، علیه اموال (سرقت، کیف‌چاپی و...). فضای شهری امن، قدرمسلم، فضایی است که هم از نظر عینی و هم از نظر ذهنی امنیت و آسایش خاطر برای حاضران، عابران و ناظران به‌وجود آورد (سلیمی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۸). امنیت شهری یکی از ضروریات جوامع امروزی محسوب می‌شود و این امنیت به‌واسطه رویکردهای پیش‌گیری از وقوع جرایم از طریق طراحی محیط به‌سادگی به‌دست می‌آید (حسینی، کاملی، ۱۳۹۶: ۲۰۹).



شکل (۲): فضای شهری امن (فصل مشترک مؤلفه‌های ایمنی و امنیت) (سلیمی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۹)

درباره تأثیر محیط فیزیکی و فضا بر امنیت، نظریه‌های بی‌شماری مطرح شده است. بر اساس این نظریه‌ها فضاهای بی‌دفاع شهری و فضاهایی که قابلیت بیشتری برای وقوع جرم دارند، موجب کاهش امنیت اجتماعی به‌ویژه امنیت اجتماعی زنان می‌شوند (Taherkhani, 2003: 88). تأثیر فضا در نظریه پیش‌گیری جرم از طریق طراحی محیطی نقش جدی‌تری به خود می‌گیرد. در این نظریه بر تأثیر متغیرهای فرهنگی و اجتماعی بر فضا و نقش آنها در کاهش میزان جرم و آسیب‌پذیری در محله‌ها تأکید می‌شود (Taylor & Harrell, 1996). در این نظریه بر طراحی مناسب و استفاده مؤثر از محیط بر کاهش ترس از بزهکاری و وقوع جرم و در نتیجه، افزایش کیفیت زندگی تأکید شده و در پی آن، نقش فضاهای بی‌دفاع شهری مورد توجه جدی‌تر قرار گرفته است. فضاهای بی‌دفاع از جمله فضاهایی با ضریب آسیب‌پذیری بالا هستند که با توجه با ساختار فیزیکی به همراه تعریف اجتماعی برای به فرجام رساندن عملی مغایر با فرم‌های تعریف‌شده اجتماعی نقش بارز و نهایی دارند (White, R. & Sutton, 1995)؛ بنابراین فضاها تأثیر فراوانی بر شکل‌گیری ناامنی و زمینه‌سازی وقوع جرم و خشونت

در عرصه شهر دارند. جاکویس (۱۹۶۱)، جفری (۱۹۷۱) و نیومن (۱۹۷۲) در مطالعات خود درباره خشونت و محیط فیزیکی - اجتماعی با تأکید بر طراحی فیزیکی عنوان کردند که فضاهای فیزیکی به‌عنوان متغیر مستقل قادر به مداخله در ماهیت و اندازه جرم در شهر هستند و اندیشه خود را در قالب «فضای قابل دفاع» ابتدا توسط جاکویس ۱۹۶۱ و سپس نیومن ۱۹۷۲ مطرح ساختند (Naibi et al, 2012). اساساً شخص از فضایی که در آن احساس فقدان امنیت و تعلق دارد، دوری می‌کند تا خود را از خطرات احتمالی ناشی از وقوع جرم و جنایات در آن نجات دهد. بنابراین اکثر این فضاها خلوت‌اند و این امر شرایط وقوع جرم را تشدید می‌کند و قابل دفاع بودن فضا را از بین می‌برد و درمقابل، فضای قابل دفاع قرار می‌گیرند. فضای قابل دفاع، بر خودیاری و مشارکت مردم تکیه دارد (Newman, 2009: 21). تحقیقات مختلف در بسیاری از کشورها نشان داده است که تفرجگاه‌ها، بازارها و دیگر مراکز خرید عمومی در برابر جرایم آسیب‌پذیر هستند و مؤلفه‌های مشخصه جرم در آن‌ها عبارت‌اند از: عناصری در مراکز شهری نظیر مغازه‌ها، تئاتر، رستوران‌ها، ایستگاه‌های حمل و نقل عمومی و غیره. اصولاً موقعیت‌های تجاری و تفریحی بر جرم و رفتار مجرمانه در سطوح پیرامون خود تأثیر می‌گذارند. همان‌طور که این سطوح قسمتی از پیاده‌روها و فضاهای خارجی خود را نیز هم‌رنگ خود می‌کنند. جیکوب معتقد است که محله‌هایی که کاربری‌های متنوعی نظیر تجاری، اداری و تفریحی دارند نسبت به محله‌هایی که تک‌کاربری هستند امن‌ترند. نواحی چندکارکردی در طول شبانه‌روز شهروندان را به خود جلب کرده است و بدین وسیله نظارتی غیررسمی فراهم می‌نمایند. برعکس فعالیت مجرمان در اماکن خلوت بیشتر جریان می‌یابد (jackobs, 1981.p:18) با توجه به مطالب فوق مشخص می‌شود نقش محیط و فضاهای شهری در وقوع جرایم و خلق رفتارهای ناهنجار مؤثر و پررنگ است. در ادامه نیز به تشریح مسئله جرم و تعاریف آن می‌پردازیم و ماهیت آن را مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهیم. درخصوص جرم، تعاریف ارائه‌شده توسط حقوق‌دانان، جامعه‌شناسان و جرم‌شناسان مورد بررسی قرار می‌گیرد. از نظر حقوق‌دانان، جرم هرگونه عملی برخلاف تکالیف فرد نسبت به جامعه است که ارتکاب آن مستلزم عقوبت و مجازات باشد. در حقوق کیفری ایران، هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب می‌شود (صالحی، ۱۳۹۰: ۲۳). از نظر جامعه‌شناسان بر طبق نظر دورکیم، جرم پدیده طبیعی اجتماعی است و از نظام، فرهنگ و تمدن هر اجتماع ناشی می‌شود. برخی دیگر جرم را عملی توصیف می‌کنند که در رابطه با رفتارهای عادی اعضای گروه اجتماع، تقصیر و خطا محسوب شود و رفتار ناهنجار باشد. جرم‌شناسان، ناسازگاری افراد را در اجتماع، عمل ضد اجتماعی و جرم می‌نامند و برخی دیگر عقیده دارند که تعدی و تجاوز به شرایط زندگی، عمل ضد اجتماعی است (صالحی، ۱۳۸۷، ۴۶). در طول نیم قرن گذشته، نظریه پیش‌گیری از وقوع جرم به‌طور فزاینده‌ای پیشرفت کرده و به‌عنوان یکی از رویکردهای علمی برای درک و حل مشکلات ناشی از جرم از طریق تغییر در شیوه طراحی به‌وجود آمده است (Mihinjac and Saville, 2019: 2). نظریه‌های نسل اول این رویکرد

توجهش به رویکرد محیطی صرف بود و در نسل دوم این رویکرد در کنار مسائل محیطی، عوامل اجتماعی، بوم‌شناختی و بهداشت محلّه افزوده شد و سومین یا جدیدترین رویکرد در این موضوع توجه به کیفیت محیط، علوم رفتاری و میزان رضایت شهروندان از محیط است (Miller et al. 2015). تاراپ و گامان هر دو تلاش کردند تا رویکرد CPTED را با الگوهای مشارکتی و با محوریت جامعه از طریق برنامه‌ریزی‌های مشارکتی به سمت‌وسوی بازسازی محلّه پیش ببرند (Saville 2018). نسل سوم CPTED مبتنی بر نوآوری اجتماعی و پایداری ناشی از جوامع محلی است. برخی منابع دیگر به نسل سوم CPTED و چگونگی یک محیط سبز پایدار وجود دارد (Fennelly and Perry 2018). نظریهٔ پیش‌گیری از جرم با رویکرد طراحی محیطی با هدف کاهش فرصت‌ها برای جرم از طریق به‌کارگیری ترکیب‌های طراحی فیزیکی است که مانع وقوع جرم هستند و به‌طور خلاصه، ایجاد محیط دفاعی با نظر به ترکیب دو جنبهٔ فیزیکی و روان‌شناسی به‌طور همزمان، جوهر اساس مفهوم پیش‌گیری از جرم از طریق طراحی محیطی را تشکیل می‌دهد. انجمن بین‌المللی (CPTED ICA) نیز آن را استفادهٔ هوشمندانه از فضای ساخته‌شده در جلوگیری از جرایم در فرایند طراحی و برنامه‌ریزی محیط مصنوع تعریف می‌کند. طبق تعاریف فوق، بر این موضوع اتفاق نظر وجود دارد که رویکرد CPTED در دو بعد کاهش حقیقی جرایم در محیط‌های شهری از یک سو و افزایش احساس ایمنی و امنیت فضایی در آن‌ها، می‌تواند مؤثر واقع شود (پاکزاد، ۲۰۱۴). مفاهیم اساسی رویکرد پیش‌گیری از جرم از طریق طراحی محیطی؛ در رویکرد^۱ CPTED با مفاهیم مختلفی روبه‌رو هستیم که به تحقق این رویکرد کمک شایانی می‌نماید. اهم این موارد عبارت‌اند از:

الف. قلمروگرایی: بدین معنی که فضای بیرونی باید به‌گونه‌ای باشد که سبب ایجاد نوعی حس مالکیت قوی شود.

- ب. نظارت:** برای دل‌سردی بزه‌کاران از انجام فعالیت‌های مجرمانه دو شیوهٔ مهم نظارت وجود دارد.
- ج. نظارت طبیعی:** این نظارت می‌تواند از طریق فعالیت‌های معمول و روزمرهٔ مردم حاصل شود.
- د. نظارت سازمان‌دهی‌شدهٔ رسمی:** لوازم و تجهیزاتی مانند دوربین‌های مداربسته و نمایش‌گرها، امکان نظارت سازمان‌دهی‌شده را پدید می‌آورند.
- ه. دشوارسازی دستیابی به اهداف مجرمانه:** بدین معنا که استانداردهای امنیتی ساختمان‌ها برای دور نگه داشتن مزاحمان از درها، پنجره‌ها و قفل‌ها بهبود یابد (به‌عنوان نمونه برای بخش‌های مختلف ساختمان زنگ خطر نصب شود).
- و. کنترل دسترسی‌ها و ورودی‌ها:** برای جلوگیری از ورود بزه‌کاران و مزاحمان باید از موانع فیزیکی یا روانی استفاده شود.

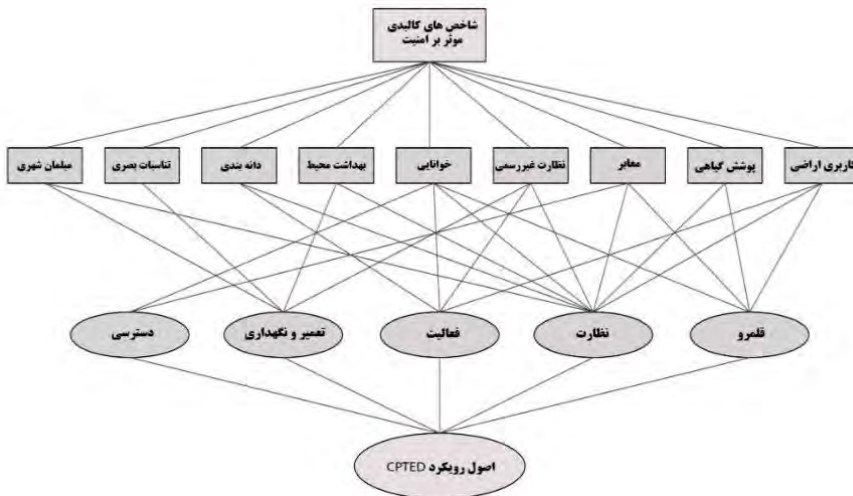
^۱ Crime Prevention Through Environmental Design

ز. پشتیبانی از برنامه‌ فعالیتی: شامل ایجاد مراکز یا تسهیلات مکانی مانند مراکز مراقبت روزانه و یا ساخت زمین‌های ورزش و بازی سازمان‌دهی شده است.

ح. تعمیر و نگهداری: با تعمیر و نگهداری مناسب از میلان شهری و تابلوها و نشانه‌های شهری و چراغ‌های روشنایی و محوطه‌سازی، می‌توان افزودن بر بهینه‌سازی هزینه‌های شهری، از بالا رفتن ظرفیت مناطق در جرم‌خیزی، کاست (پاکزاد، ۲۰۱۴).

تفکر مدرنیستی معتقد است که فضاهای کالبدی می‌توانند رفتار مردم را عوض کنند، یعنی با طراحی ویژه یا تمهید کالبدی می‌توان رفتار خاصی را در شهروندان تسهیل و تشویق کرد. بافت کالبدی و اجتماعی محله تأثیر متقابل بر همدیگر دارد و گاهی بافت کالبدی زمینه‌ساز مسائل اجتماعی است. بنابراین محله به‌عنوان یک واحد اجتماعی در ایجاد امنیت و هویت نقش مهمی داراست و باعث می‌شود افراد احساس تعلق و همچنین امنیت کنند (قرایی و همکاران، ۱۳۸۹:۲۱) به عقیده کلارک تغییر وضعیت بسیار ساده‌تر از تغییر شخصیت فرد است. بنابراین با شناسایی عوامل مؤثر کالبدی می‌توان در جهت بهبود وضعیت محیط، که باعث ارتقای امنیت محیطی می‌شود، گام برداشت. آسایش و آرامش و احساس رضایتی که شهروندان در نتیجه افزایش کارایی و مطلوبیت محیط و کالبد به‌دست می‌آورند با برنامه‌ریزی دقیق، طراحی سنجیده و نظارت کافی در فضای شهری حاصل می‌شود. (مستوفی الممالکی و بهرامی، ۱۳۹۳:۱۱۰) از جمله شاخص‌های کالبدی مؤثر بر پیش‌گیری از جرم می‌توان به معابر، علائم و میلان شهری، کاربری اراضی، خوانایی، پوشش گیاهی، دانه‌بندی و فشردگی بافت، تناسب بصری، نظارت غیررسمی بر فضا و آلودگی هوا اشاره کرد (زیاری و همکاران، ۱۳۹۵: ۸). به عقیده گوف^۱، «زنده ماندن جامعه از طریق جمع جسمی و ویژگی‌های اجتماعی که در مکان‌ها تجربه می‌شوند، از جمله محیط طبیعی و قابل پیگیری و محیط ساخته‌شده با کاربرد مخلوط، پتانسیل اقتصادی در نزدیکی گزینه‌های متنوع مسکن و دسترسی به گسترده طیف وسیعی از خدمات، امکانات و امکانات، که به کیفیت زندگی جامعه می‌افزاید» (Gough, 2015: 147). تحقیقات همچنین نشان می‌دهد که می‌توان با سیاست‌های سرمایه‌گذاری محلی مقابله نمود و از طریق توسعه (کالبدی) بهینه محله و کاهش نرخ بیکاری، میزان جنایات را در محله‌ها کاهش داد (Montolio 2018).

^۱ Gough



شکل (۳): ارتباط شاخص‌های کالبدی و اصول رویکرد CPTED (مستوفی‌الممالکی و بهرامی، ۱۳۹۳: ۱۱۷)



شکل (۴): سه رکن اساسی پیش‌گیری از جرم از دیدگاه پترلا (۲۰۰۴)



شکل (۵): معیارهای کالبدی مؤثر بر ایجاد امنیت در فضاهای شهری

عوامل کالبدی مؤثر در ارتقای امنیت، که پیش از این مورد بحث قرار گرفته‌اند، با اصول رویکرد CPTED به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در ارتباط است. به عبارتی، با در نظر گرفتن و اتخاذ یک یا چند اصل از اصول رویکرد کاهش جرم از طریق طراحی محیطی CPTED بر روی شاخص‌های کالبدی می‌توان در جهت ارتقای امنیت و کاهش جرایم شهری در محله گام برداشت. ایجاد فضاهایی با کیفیت محیطی بالا که در آن محله‌هایی دارای همسایگان با شبکه گسترده دوستی و حاوی ویژگی‌های بافت‌شناسی متأثر از عنصر زیبایی در ترکیب قلمرو عمومی مانند هنر، موسیقی، احساس شادی و نشاط از طریق حفظ اماکن تاریخی، همگی بر کاهش میزان جرم در بافت‌های شهری کمک شایانی می‌نمایند. در نهایت به این نکته می‌رسیم که اهمیت زیبایی‌شناسی و کیفیت انسانی فضای شهری برای زندگی و پیش‌گیری از جرم بسیار مهم است (Bailey et al. 2015)

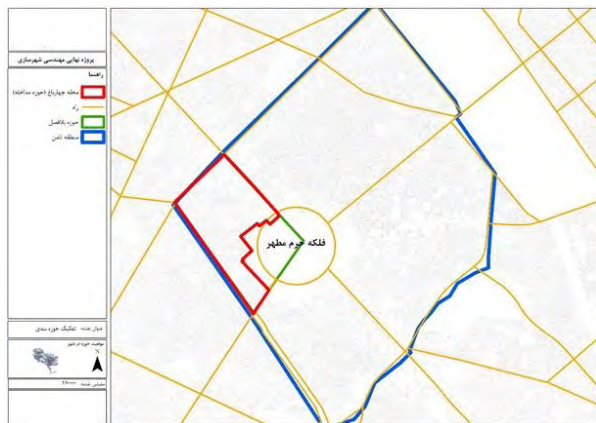
۳- روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش دارای ماهیت قیاسی است که به صورت توصیفی-تحلیلی و از نوع کاربردی است و از حیث گردآوری اطلاعات ترکیبی از روش‌های اسنادی-میدانی (پرسش‌نامه،

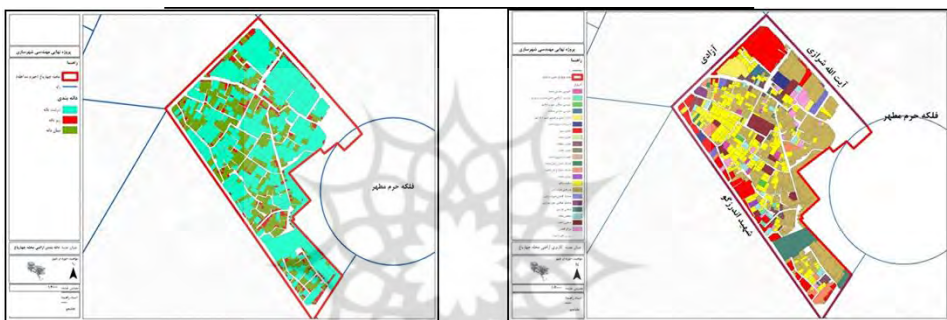
مشاهده و مصاحبه) است. در این تحقیق، با توجه به جمعیت منطقهٔ ثامن که معادل ۱۳۸۴۹ نفر در سرشماری ۱۳۹۵ بوده است و با کمک فرمول تعیین حجم نمونهٔ کوکران تعداد ۳۸۱ پرسش‌نامه مورد تجزیه و تحلیل آماری به کمک نرم‌افزار SPSS قرار گرفته است. جهت تحلیل‌های آماری این تحقیق از روش‌های مختلف آمار پارامتریک و ناپارامتریک و نرم‌افزارهای لیزرل و اکسل استفاده شده است. جامعهٔ آماری این پژوهش شامل ساکنان محلهٔ چهارباغ به‌عنوان یکی از محله‌های واقع در بافت هستهٔ مرکزی شهر مشهد (پیرامون حرم مطهر امام رضا (ع)) است، که با کمک پرسش‌نامه به اخذ اطلاعات و نظرات آن‌ها پرداخته شده است. همان‌گونه که بیان شد، محلهٔ چهارباغ در منطقهٔ ثامن کلان‌شهر مشهد واقع است که یکی از محله‌های تاریخی و فرسودهٔ شهر مشهد به‌شمار می‌آید. مساحت این منطقه ۳۶۶ هکتار است که ۴۲ هکتار از این مساحت را حرم مطهر امام رضا (ع) به خود اختصاص داده است. جمعیت این منطقه، طبق سرشماری سال ۹۵، معادل ۱۳۸۴۹ نفر است. بافت محدودهٔ پیرامون حرم مطهر امام رضا (ع) به‌خصوص در محلهٔ چهارباغ به‌علت گذر زمان و در اثر تحولات گوناگون دچار رکود و فرسودگی فراوانی شده است. طرح به‌سازی و نوسازی بافت فرسودهٔ پیرامون حرم مطهر رضوی از ۲۰ سال پیش شروع شده است، اما هنوز بیش از ۵۰ درصد خدمات عمومی آن در زمینهٔ معابر، ره‌باغ‌ها و غیره اجرایی نشده‌اند. از همین رو این محله که در بافت اولیه و تاریخی مشهد و در پیرامون حرم مطهر رضوی بوده است، از وضعیت کالبدی مناسبی برخوردار نیست و با توجه به تراکم بالای جمعیت این منطقه به‌دلیل وجود ۲۴ میلیون گردشگر- زائر شهر مشهد وضعیت جرم‌خیزی آن بسیار بالا است.

۴- بحث و یافته‌ها

افراد و شهروندان با اهداف گوناگون (خرید، تفریح، انجام امور اداری و...) روزانه با فضاهای شهری از جمله خیابان‌ها، پارک‌ها، مراکز خرید، مراکز تفریحی و مذهبی و ... سروکار دارند و بیشتر زمان خود را در این فضاها سپری می‌کنند. بنابراین با این دید لزوم بررسی الگوهای رفتاری شهروندان در فضاهای عمومی شهر یکی از نکات کلیدی و مهم مدیریت کارآمد فضاهای شهری است. در این مقاله، بر اساس مشاهدات میدانی و تکمیل پرسش‌نامه به بررسی الگوهای رفتاری ناهنجار شهروندان در محلهٔ چهارباغ منطقهٔ ثامن مشهد پرداخته شده است.



نقشه (۱): موقعیت محلّه چهارباغ مطالعه در منطقه ثامن شهر مشهد



نقشه (۲): کاربری اراضی محدوده نقشه

نقشه (۳): دانه‌بندی پلاک‌های موجود محدوده

همان‌طور که در نقشه کاربری اراضی مشاهده می‌شود، بیشتر کاربری‌های تجاری و مختلط در حاشیه خیابان‌های اصلی قرار گرفته است. در این محله به دلیل هم‌جواری با حرم مطهر رضوی و بافت قدیم شهر، اکثر کوچه‌ها باریک و کم‌عرض هستند و همچنین اکثر افراد از مناطق مسکونی خود به‌عنوان فضاهای اقامتی موقت برای زائران استفاده می‌کنند. همچنین به لحاظ دانه‌بندی قطعات، در محله چهارباغ ۱۹ درصد ابنیه درشت‌دانه، ۳۹ درصد ریزدانه و ۴۲ درصد میان‌دانه هستند. با توجه به اینکه بیشتر قطعات میان‌دانه هستند، نفوذپذیری بافت را تحت تأثیر قرار می‌دهند و نیاز به معابر، دسترسی و فضای مناسب دارند. ویژگی‌های پاسخ‌دهندگان از نظر سن، جنس، میزان تحصیلات و وضعیت تأهل در جداول زیر ارائه شده است.

جداول (۱ و ۲): ویژگی‌های جمعیت‌شناختی جامعه آماری پژوهش در محله چهارباغ

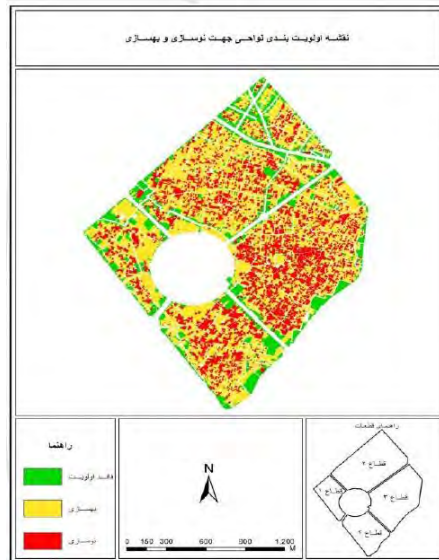
بررسی جنسیت پاسخ‌دهندگان		
درصد	فراوانی	جنسیت
۶۱/۸	۳۶۲	زن
۳۸/۲	۵۱۴	مرد
۱۰۰/۰	۳۸۱	مجموع
بررسی میزان تحصیلات پاسخ‌دهندگان		
درصد	فراوانی	میزان تحصیلات
۸/۲	۰۳	کمتر از دیپلم
۶۰/۸	۲۲۳	دیپلم
۱۵/۹	۱۶	کارشناسی
۱۵/۱	۸۵	بالتر از کارشناسی
۱۰۰/۰	۳۸۱	مجموع

بررسی سن پاسخ‌دهندگان		
درصد	فراوانی	سن
۵/۱۹	۷۴	کمتر از ۱۸ سال
۱/۴۳	۱۶۳	۱۸ تا ۳۵ سال
۷/۱۹	۷۶	۳۵ تا ۶۴ سال
۷/۱۷	۶۸	بیش از ۶۴ سال
۱۰۰	۳۸۱	مجموع
بررسی وضعیت تأهل پاسخ‌دهندگان		
درصد	فراوانی	تأهل
۶/۴۲	۱۶۳	مجرد
۴/۵۷	۲۱۸	متأهل
۰۰/۱۰۰	۳۸۱	مجموع

جدول (۳): درصد اراضی مشمول فرسودگی در منطقه نامن

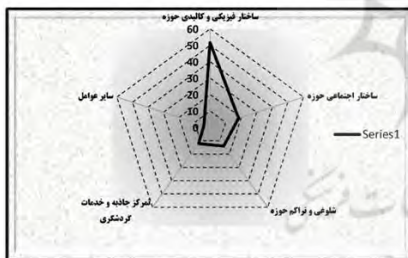
قطاع	نیاز به نوسازی		نیاز به بهسازی		فاقد اولویت	
	مساحت (مترمربع)	درصد	مساحت (مترمربع)	درصد	مساحت (مترمربع)	درصد
۱	۴۸۰۱۳	۱۷،۲۶	۱۶۷۰۰۴	۶۰،۰۳	۶۳۱۵۱	۲۲،۷۰
۲	۲۳۰۴۶۶	۲۴،۷	۵۲۴۴۶۳	۵۶،۴۳	۱۷۴۴۱۱	۱۸،۷۶
۳	۳۲۲۷۸۵	۳۹،۳۷	۴۰۹۳۶۴	۴۹،۹۳	۸۷۷۰۰	۱۰،۶۹
۴	۱۳۱۸۰۱	۲۸،۵	۲۴۹۵۸۵	۵۴،۰۲	۸۰۵۹۸	۱۷،۴۴
مجموع منطقه	۷۳۳۰۶۵	۲۹،۴۴	۱۳۵۰۴۱۶	۵۴،۲۴	۴۰۵۸۶۰	۱۶،۳۰

محمدزاده، یوسف پور طرقي، رضایی مقدم، پارسایی جم، ۱۹:۱۳۹۲

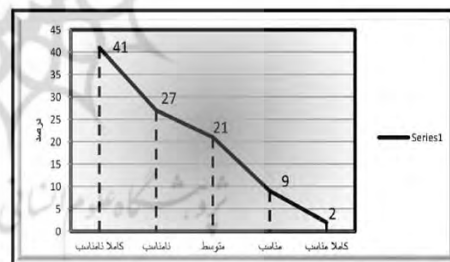


نقشه (۴): میزان فرسودگی در منطقه ثامن

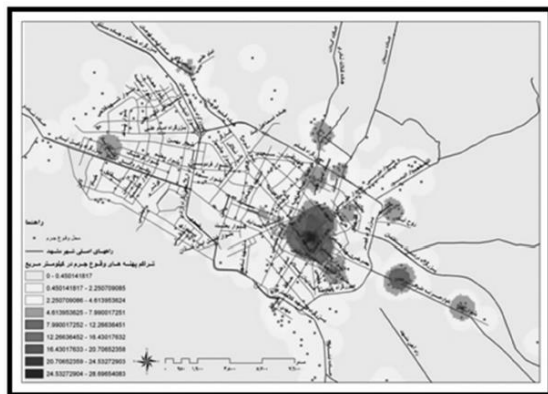
با توجه به جدول فوق، حدود ۶۰.۳ درصد اراضی واقع در قطاع یک (محلّه تاریخی چهارباغ) نیازمند به‌سازی و ۱۷.۲۶ درصد نیازمند نوسازی بافت هستند، این امر نشان‌دهنده وضعیت بافت کالبدی نامناسب محله است.



شکل (۷): مهم‌ترین عوامل مؤثر بر ایجاد ناامنی در منطقه



شکل (۶): میزان امنیت در محلّه چهارباغ بر اساس نظر شهروندان



نتایج حاصل از پرسش‌نامه‌های تحقیق نشان داد که ۶۸ درصد از شهروندان وضعیت امنیت را در سطح محله چهارباغ، نامناسب و کاملاً نامناسب می‌دانند و ساختار و بافت فیزیکی، مسائل اجتماعی و میزان تراکم و شلوغی محله (به دلیل واقع شدن در بافت پیرامون حرم مطهر و جذب ۲۴ میلیونی زائر و گردشگر در سال) از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر ایجاد ناامنی در محله هستند. همچنین با توجه به نقشه شماره ۵، بافت پیرامون حرم مطهر رضوی در شهر مشهد، یکی از پهنه‌های داغ (جرم‌خیز) در شهر مشهد به‌شمار می‌آید. عواملی از جمله اختلاط نامناسب کاربری اراضی، ریزدانی بافت، عرض نامناسب معابر، شکل هندسی نامنظم بافت، قدمت تاریخی و بافت‌های فرسوده و کیفیت بناهای موجود در بافت محله چهارباغ، همگی روی جرم‌خیزی و ایجاد شرایط محیطی مناسب برای بروز رفتارهای ناهنجار مؤثرند. در نهایت، برای بررسی فرض اصلی این تحقیق (نحوه تأثیر فضاهای شهری بر خلق رفتارهای ناهنجار) از معیارهای و شاخص‌های وجود فضاهای خالی در بافت، ریزدانی، تأثیر جریان فعالیت‌ها بر امنیت، فعالیت‌های شبانه‌روزی، عرض معبر، قدمت بنا و نحوه اختلاط کاربری‌ها استفاده شده است که میانگین کل این شاخص‌ها در جدول زیر آمده است. برای به‌دست آوردن تأثیر این عوامل بر وقوع جرایم از آزمون تک‌نمونه‌ای T استفاده شده است. در این آزمون، با توجه به اینکه سؤالات در طیف ۵‌گزینه‌ای لیکرت طراحی شده است، عدد ۱ به‌عنوان کمترین میانگین و عدد ۵ به‌عنوان بیشترین میانگین و عدد ۳ به‌عنوان حد متوسط میانگین در نظر گرفته می‌شود.

جدول (۴): میانگین و انحراف معیار به‌دست‌آمده برای معیارهای عوامل کالبدی و محیطی

مؤلفه‌ها	تعداد مشاهدات	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار
درهم‌آمیختگی عوامل کالبدی و محیطی	۳۸۱	۴/۰۷	۱/۶۹۵	۱/۰۶۳

میانگین کل به‌دست‌آمده برای این عوامل برابر با ۴/۰۷ است که از میانگین متوسط یعنی عدد ۳ بزرگ‌تر است همچنین انحراف معیار این آزمون برابر با ۱/۶۹۵ و خطای معیار برابر با ۱/۰۶۳ است. خروجی دوم این آزمون مربوط به آمار استنباطی است و نتایج آزمون را ارائه می‌کند. بر این اساس مقدار آماره‌ی t ، درجه‌ی آزادی عدد، سطح معنی‌داری را نشان می‌دهد.

جدول (۵): سطح معناداری

مؤلفه‌ها	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری	اختلاف میانگین	
				فاصله اطمینان ۹۵٪	کران پایین / کران بالا
درهم‌آمیختگی عوامل کالبدی و محیطی	۱۶/۶۱۵	۳۸۱	۰/۰۰۰	۱/۰۶۷	۱/۹۴ / ۱/۱۹

مقدار سطح معناداری این آزمون برابر با ۰/۰۰۰ و سطح اختلاف از میانگین آن (یعنی از عدد ۳) برابر با ۱/۰۶۷ به‌دست آمده است که درستی این رابطه را تأیید می‌کند، بنابراین فرض اصلی تحقیق تأیید می‌شود و اثبات می‌شود که درآمیختگی عوامل کالبدی و محیطی در فضاهای شهری بر وقوع جرایم شهری نقش مؤثری دارد.

جدول (۶): رابطه‌ی بین مؤلفه‌های کالبدی و وقوع جرم در محله‌ی چهارباغ

مؤلفه‌ها	تعداد مشاهدات	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار
رابطه‌ی بین مؤلفه‌های کالبدی و وقوع جرم	۳۸۱	۳/۷۶	۱/۸۶۰	۱/۰۷۸

همان‌طور که در جدول بالا مشاهده می‌شود میانگین کل به‌دست‌آمده برای شاخص‌های رابطه‌ی بین مؤلفه‌های کالبدی و وقوع جرم برابر با ۳/۷۶ است که از عدد استاندارد آزمون یعنی عدد ۳ بزرگ‌تر است. برای تأیید صحت این آزمون به خروجی دوم آزمون t مراجعه می‌کنیم.

جدول (۷): سطح معناداری

مؤلفه‌ها	مقدار تی	درجه آزادی	سطح معناداری	اختلاف میانگین	
				کران پایین	کران بالا
رابطه بین مؤلفه‌های کالبدی و وقوع جرم	۹/۶۶۱	۱۴۹	۰/۰۰۰	۱/۷۵۸	۱/۶۰

سطح معناداری به‌دست‌آمده برای این آزمون برابر با ۰/۰۰۰ و اختلاف از میانگین آن برابر با مثبت ۱/۷۸۵ است که معناداری این آزمون را تأیید می‌کند. بنابراین تأیید می‌شود که میان مؤلفه‌های کالبدی در طراحی شهری و مسئله وقوع جرم رابطه معنادار وجود دارد.

جدول (۸): نتایج تحلیل عاملی تأییدی پرسش‌نامه

متغیر	گویه‌ها	بار عاملی	آماره T	نتیجه
محیط پیرامونی	تعداد جمعیت	۰/۴۱۸	۱۰/۶۶۲	تأیید
	ازدحام	۰/۴۲۷	۷/۸۶۱	تأیید
	زمان	۰/۶۵۹	۲۱/۸۴۲	تأیید
	شرایط جغرافیایی	۰/۷۱	۳۳/۵۴۹	تأیید
	نظارت	۰/۶۲۹	۲۱/۳۹۹	تأیید
	سروصدا	۰/۷۴۳	۳۵/۱۳۶	تأیید
	تراکم جمعیت	۰/۷۰۷	۳۲/۵۳۳	تأیید
	نورپردازی	۰/۶۶۹	۲۴/۷۵۷	تأیید
	رنگ	۰/۵۵۵	۱۲/۲۷۹	تأیید
	دما	۰/۶۳۴	۲۶/۶۷۹	تأیید
	فضاهای پان اوپتیکون	۰/۴۲۸	۱۱/۱۲۵	تأیید
فضاهای شهری	نحوه طراحی	۰/۷۲۵	۳۱/۲۵	تأیید
	کاربری اراضی	۰/۴۱۱	۱۱/۵۶۸	تأیید
	عرض معبر	۰/۴۱۹	۱۰/۲۸۷	تأیید
	مبلمان شهری	۰/۷۶۴	۳۰/۸۲۹	تأیید
	مقیاس و اندازه	۰/۷۵۷	۲۸/۱۴۴	تأیید
	چیدمان فضایی	۰/۳۹۷	۸/۲۸۸	تأیید
	کارایی فضاها	۰/۵۸۷	۱۱/۴۲۶	تأیید
	تنوع کاربری اراضی	۰/۷۵۱	۳۱/۵۹۴	تأیید
	وجود فضاهای سبز	۰/۸۰۴	۳۶/۷۰۶	تأیید
	بلندمرتبه‌ها	۰/۶۷۵	۱۷/۸۱۶	تأیید
	فضاهای امن شهری	۰/۵۹۱	۲۴/۲۶۳	تأیید
	وجود مکان‌های باز	۰/۶۹۸	۱۹/۵۷۹	تأیید
	فضاهای بی‌دفاع شهری	۰/۶۳۹	۱۹/۷۵۶	تأیید

بر اساس نتایج جدول ۸ مشخص می‌شود که تمام نشان‌گرهای مورد مطالعه به دلیل بیشتر بودن مقدار آماره t از ۱/۹۶ و یا بیشتر بودن مقادیر بارهای عاملی از ۰/۴، از اهمیت لازم برای اندازه‌گیری متغیرهای خود برخوردارند. بنابراین پرسش‌نامه این تحقیق از روایی مناسب برخوردار است. نتایج مدل‌یابی معادلات ساختاری نشان داد که محیط پیرامونی بر رفتارگرایی تأثیر دارد. ($t = 18.169, \beta = 0.602$) فضاهای شهری بر رفتارگرایی تأثیر دارد. ($t = 11.456, \beta = 0.396$)

* نتایج معادلات ساختاری برای تأثیر گویه‌های محیط پیرامونی و فضاهای شهری بر الگوهای رفتاری ناهنجار نشان داد که سه گویه وجود مکان‌های باز، فضاهای بی‌دفاع شهری و کاربری اراضی که جزء عوامل فضای شهری هستند، بیشترین تأثیر را بر الگوهای رفتاری ناهنجار شهروندان دارند. گویه‌های بلندمرتبه‌ها، شکل هندسی و فضاهای امن شهری در الگوهای رفتاری تأثیر ندارند. زیرا مقدار آماره t برای این سه عامل از ۱/۹۶ کمتر است.

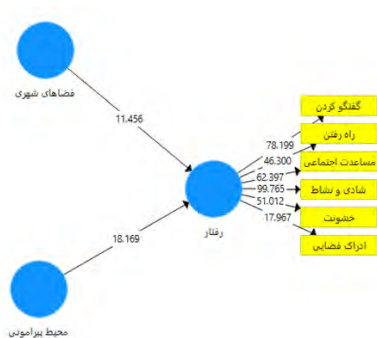
* سه گویه نورپردازی، نظارت و موسیقی که جزء عوامل محیط پیرامونی هستند، بیشترین تأثیر را بر کاهش الگوهای رفتاری ناهنجار در شهروندان دارند. گویه جریان هوا در الگوهای رفتاری تأثیر ندارند. زیرا مقدار آماره t برای این عامل از ۱/۹۶ کمتر است.

تنها شاخص برازش مدل در تکنیک حداقل مجذورات جزئی شاخص GOF است. مقادیر ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ به‌عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای این شاخص معرفی شده است. این شاخص با استفاده از میانگین هندسی شاخص R^2 و میانگین شاخص‌های افزونگی^۱ قابل محاسبه است. بنابراین مقدار نیکویی برازش در این مطالعه برابر است:

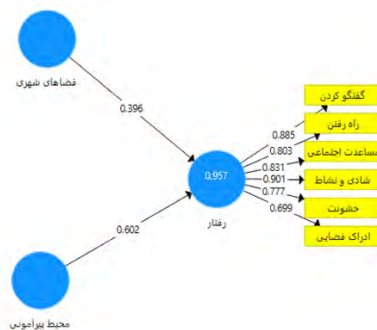
$$GOF = \sqrt{\text{Communality} \times R^2} = \sqrt{0.957 \times 0.670} = 0.800$$

با توجه به مقدار شاخص GOF، می‌توان گفت که مدل از برازش قوی برخوردار است. روش آماری به کارگرفته‌شده در این تحقیق روش «معادلات ساختاری» است. مدل‌سازی معادلات ساختاری، یک ابزار پژوهشی رایج در علوم مدیریت، پزشکی و علوم اجتماعی است که در دو سه دهه اخیر مورد استفاده بوده است، در این قسمت، با استفاده از نرم‌افزار Smart-pls، به بررسی اثرگذاری عوامل یادشده پرداخته می‌شود. برای این منظور از یک مدل ساختاری برای آزمون فرض تحقیق استفاده شده است.

^۱ Communality



شکل (۹): مدل تحقیق فرضیات در حالت معناداری ضریب مسیر فرضیه‌ها (t-value)



شکل (۸): مدل تحقیق فرضیات در حالت ضریب مسیر فرضیه‌ها

شکل شماره ۸، مقادیر ضریب مسیر را برای تأثیر هریک از متغیرهای مستقل فضاهای شهری و محیط پیرامونی نشان می‌دهد. مقادیر ضریب مسیر، شدت تأثیر متغیرهای مستقل بر وابسته را نشان می‌دهند. همچنین مقدار ضریب تعیین برای متغیر وابسته رفتار شهروندی برابر با ۰/۹۵۷ است. یعنی حدود ۹۵/۷ درصد از تغییرات رفتار شهروندی ناشی از تغییرات دو متغیر فضاهای شهری و محیط پیرامونی است و حدود ۴/۳ درصد از تغییرات ناشی از سایر عواملی است که ذکر نشده است. شکل شماره ۹، مقادیر آماره t را برای تأثیر هریک از متغیرهای مستقل فضاهای شهری و محیط پیرامونی نشان می‌دهد. اگر مقدار آماره t از عدد ۱/۹۶ بیشتر باشد، نشان دهنده این است که متغیر مستقل بر متغیر وابسته تأثیر دارد. مقدار آماره t برای تأثیر فضاهای شهری بر رفتار شهروندی برابر با ۱۱/۴۵۶ و ز ۱/۹۶ بیشتر است. همچنین مقدار آماره t برای تأثیر محیط پیرامونی بر الگوهای رفتاری ناهنجار شهروندی برابر با ۱۸/۱۶۹ و از ۱/۹۶ بیشتر است، بنابراین دو متغیر بر خلق رفتارهای ناهنجار شهروندی تأثیر دارند. نتایج حاصل از معادلات ساختاری در جدول ۹ ارائه شده است:

جدول (۹): نتایج معادلات ساختاری

نتیجه	آماره t	انحراف معیار	ضریب مسیر	متغیر مستقل	متغیر وابسته
مؤثر است	۱۸/۱۶۹	۰/۰۳۳	۰/۶۰۲	محیط پیرامونی	الگوهای رفتاری
مؤثر است	۱۱/۴۵۶	۰/۰۳۴	۰/۳۹۶	فضاهای شهری	

طبق جدول ۹، چون مقدار آماره t برای تأثیر محیط پیرامونی بر الگوهای رفتاری برابر با ۱۸/۱۶۹ و از ۱/۹۶ بیشتر است، بنابراین محیط پیرامونی بر الگوهای رفتاری تأثیر دارد. مقدار ضریب مسیر برابر با ۰/۶۰۲ و مثبت است، بنابراین با بهبود محیط پیرامونی، رفتار شهروندان نیز بهبود

می‌یابد و رفتارهای ناهنجار کمتر امکان بروز می‌یابند. مقدار آماره t برای تأثیر فضاهای شهری بر الگوهای رفتاری برابر با ۱۱/۴۵۶ و از ۱/۹۶ بیشتر است، بنابراین فضاهای شهری بر الگوهای رفتاری تأثیر دارد. مقدار ضریب مسیر برابر با ۰/۳۹۶ و مثبت است، بنابراین با بهبود فضاهای شهری، رفتار شهروندان نیز بهبود می‌یابد و رفتارهای ناهنجار کمتر امکان بروز می‌یابند. بنابراین: "عوامل محیطی (محیط انسان ساخت) از مؤثرترین پارامترها در تعیین الگوهای رفتاری بهنجار شهروندان در فضاهای شهری در محله چهارباغ مشهد است." در ادامه با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) و نرم‌افزار PIs، تأثیر هریک از زیر شاخص‌های دو متغیر فضاهای شهری و محیط پیرامونی را بر الگوهای رفتاری بهنجار شهروندان در فضاهای شهری محله چهارباغ مشهد به صورت جزء به جزء بررسی می‌کنیم. نتایج در جدول ۱۰ ارائه شده است.

جدول شماره ۱۰: نتایج معادلات ساختاری برای تأثیر زیر شاخص‌های فضاهای شهری و محیط پیرامونی بر الگوی رفتار ناهنجار

نتیجه	آماره t	انحراف معیار	ضریب مسیر	متغیر مستقل	فضاها
مؤثر است	۱۶/۴۱۴	۰/۰۱۳	۰/۲۱۶	وجود مکان‌های باز	فضاهای شهری
مؤثر است	۷/۱۵۶	۰/۰۲۸	۰/۱۹۷	فضاهای بی دفاع شهری	
مؤثر است	۸/۱۲۷	۰/۰۲۵	۰/۳۰۶	کاربری اراضی	
مؤثر است	۶/۸۷۷	۰/۰۲۵	۰/۱۷	عرض معبر	
مؤثر است	۰۹/۹۰۲	۰/۰۱۹	۰/۱۹	مقیاس و اندازه	
مؤثر است	۰۹/۴۷	۰/۰۱۱	۰/۱۰۹	چیدمان فضایی	
مؤثر است	۱۱/۹۴۸	۰/۰۰۹	۰/۱۰۶	نحوه طراحی	
مؤثر است	۳/۲۸۶	۰/۰۳۲	۰/۱۰۴	مبلمان شهری	
مؤثر است	۴/۲۶۵	۰/۰۲۴	۰/۱۰۳	وجود فضاهای سبز	
مؤثر است	۴/۵۴۱	۰/۰۱۶	۰/۰۷۲	کارایی فضاها	
مؤثر نیست	۱/۹۴۳	۰/۰۲۳	۰/۰۴۵	تنوع کاربری اراضی	
مؤثر است	۱۲/۲۵۶	۰/۰۲	۰/۳۰۱	نورپردازی	محیط پیرامونی
مؤثر است	۱۶/۴۲۳	۰/۰۱۶	۰/۲۶۴	نظارت	
مؤثر است	۱۶/۱۳۴	۰/۰۱۱	۰/۱۷۶	زمان	
مؤثر است	۱۰/۶۷۵	۰/۰۱۶	۰/۱۷۶	سروصدا	
مؤثر است	۶/۴۴۸	۰/۰۲۵	۰/۱۶۰	تعداد جمعیت	
مؤثر است	۷/۳۳۵	۰/۰۲۲	۰/۱۵۹	دما	
مؤثر است	۵/۰۰۴	۰/۰۲۳	۰/۱۱۷	ازدحام	
مؤثر است	۶/۸۰۳	۰/۰۱۲	۰/۰۸۲	فضاهای پان اوپتیکون	
مؤثر است	۲/۰۴۳	۰/۰۱۴	۰/۰۲۹	تراکم جمعیت	

طبق جدول ۱۰، سه گویه وجود مکان‌های باز، فضاهای بی‌دفاع شهری و کاربری اراضی که جزء عوامل فضای شهری هستند، بیشترین تأثیر را بر الگوهای رفتاری شهروندان دارند. به‌طور کلی گویه‌هایی که دارای آماره t بزرگ‌تر از ۱/۹۶ هستند، بر الگوهای رفتاری تأثیر دارند. دو گویه نورپردازی و نظارت که جزء عوامل محیط پیرامونی هستند، بیشترین تأثیر را بر الگوهای رفتاری شهروندان دارند. به‌طور کلی گویه‌هایی که دارای آماره t بزرگ‌تر از ۱/۹۶ هستند، بر الگوهای رفتاری تأثیر دارند. طبق نتایج جدول ۶، چون ضریب تأثیر هریک از عوامل فضای شهری و محیط پیرامونی بر رفتارگرایی شهروندان مثبت است، می‌توان گفت با بهبود هریک از این عوامل، می‌توان رفتار شهروندان را از سمت رفتارهای ناهنجار به سمت هنجار بهبود داد. همان‌طور که مشخص شد، با ارتقای کیفیت محیط و توجه به عوامل محیطی می‌توان با مناسب‌سازی فضاهای شهری، بستر وقوع جرم و رفتارهای ناهنجار را در شهرها و به‌خصوص فضاهای عمومی تا حد زیادی کاهش داد، لذا نحوه برنامه‌ریزی و طراحی شهری در زمینه بافت‌های کالبدی به‌عنوان عاملی پیش‌گیرانه در کاهش وقوع جرایم شهری محسوب می‌شود.



شکل (۱۰): میزان تأثیر متغیرهای فضاهای شهری بر رفتار شهروندی بر اساس ضریب مسیر
 شکل (۱۱): میزان تأثیر متغیرهای متغیرهای محیط پیرامونی بر رفتار شهروندی بر اساس ضریب مسیر

در نهایت باید اشاره کنیم که نوآوری این پژوهش در آن است که مسئله رفتار و به‌خصوص الگوهای رفتاری ناهنجار را تحت تأثیر کیفیت محیطی و نحوه طراحی فضاهای عمومی شهر در الگوی ترکیبی علوم جغرافیا و روان‌شناسی می‌داند و از طرفی اعتقاد دارد که با ارتقای کیفیت محیط و بافت کالبدی و توجه به نیازهای زیبایی‌شناختی شهروندان در استفاده از فضاهای عمومی شهر، می‌توانیم در پیش‌گیری از وقوع جرایم در بافت‌های ناکارآمد شهری جلوگیری نماییم و با توجه بیشتر به کیفیت فضاهای شهری بستر وقوع جرم را در شهر کاهش دهیم.



نقشه (۶): طرح نهایی در محدوده محله چهارباغ مشهد

۵- نتیجه‌گیری

شهرهای امروزه تحت تأثیر نظام‌های ناهماهنگ شهری و متأثر از سیستم ناکارآمد برنامه‌ریزی منطقه‌ای و شهری و عدم تعادل بخشی در فضاهای منطقه‌ای و ملی، از یک رشد نامناسب برخوردارند. بنابراین با افزایش جمعیت شهرها، بافت کالبدی شهرها نیز رشد کرد (شهرها گسترده‌تر شدند) از طرفی با رشد فیزیکی شهرها، فضاهای شهری نیز افزایش می‌یابد که برخی از این فضاها، فضاهای عمومی، نیمه‌عمومی و خصوصی‌اند. در واقع فضاهای شهری زمانی می‌توانند نقششان را خوب بازی کنند که بتوانند پذیرای جمعیت باشند، تعاملات اجتماعی را تقویت کنند، الگوهای رفتاری ناهنجار را کاهش دهند. با توجه به رشد و گسترش روند شهرنشینی، می‌توان دریافت که شهرنشینی دارای پیامدها و تبعات گوناگونی برای ساکنان آن است که در این میان، امنیت و احساس امنیت، دارای نقش اساسی در مطلوبیت زندگی به‌شمار می‌آیند. در این زمینه، می‌توانیم ویژگی‌ها یا عوامل مؤثر بر پیدایش رفتار مجرمانه را در شهر به دو بخش عوامل یا ویژگی‌های کالبدی یا ویژگی‌های غیرکالبدی تقسیم کنیم؛ به عبارت دیگر، در صورت پیدایش ناهنجاری در هر بخش از یک شهر می‌توان این فرضیه را پذیرفت که آن ناهنجاری ممکن است به پیدایش رفتار مجرمانه نیز بینجامد. با شناخت تأثیر محیط بر انسان و استفاده از علوم مختلف، می‌توان اقدام به طراحی مناسب کرد. امروزه، شهرها و جوامع بزرگ که شلوغی و گمنامی از آن خصوصیات آنهاست، محیطی مناسب برای پناه گرفتن مجرمان محسوب می‌شوند. در این شهرها مردم همدیگر را

نمی‌شناسند و این امر به مخفی ماندن جرایم کمک می‌کند. افزایش میزان جرم و جنایت، معماران و شهرسازان را به فکر دستیابی به راه حل مناسبی در جهت پیش‌گیری از جرم انداخته است. مسلماً پیش‌گیری از جرم از طریق طراحی محیط چیزی فراتر از استفاده از حصار است. بنابراین در بحث پایداری شهرها یکی از عوامل مهم تأثیر گذار در رشد و توسعه شهرها موضوع امنیت است. به‌طور کلی می‌توان گفت در پیدایش جرایم شهری، عوامل مختلف در سطوح متفاوت مؤثراند، اما هر فضای شهری از لحاظ ویژگی ممکن است بزه‌کاران را برای ارتکاب جرم در وضع مساعد یا نامساعدی قرار دهد. شهر مشهد به دلیل موقعیت خاص اجتماعی، فرهنگی و مذهبی و به‌عنوان بزرگ‌ترین شهر زیارتی کشور و پایتخت معنوی ایران، سالانه پذیرای میلیون‌ها زائر است که در فصول مختلف سال به این شهر سفر می‌کنند. تراکم جمعیتی زوار، به‌خصوص در ایام تعطیلات نوروز و تابستان و یا اعیاد و مناسبت‌های مذهبی، به‌صورت ناگهانی افزایش می‌یابد. درصد بالایی از این زائران در حلقه اول اطراف حرم که بخش زیادی از منطقه ثامن را شامل می‌شود، اسکان می‌کنند. معابر و بازارهای شلوغ، تراکم جمعیت سیال و گمنام، بافت قدیمی، خانه‌های مخروبه که پناه‌گاه مناسبی برای فرار و پنهان شدن مجرمان هستند، پروژه‌های نوسازی اطراف حرم و غیره، همه عواملی هستند که باعث می‌شوند میزان وقوع جرم در این منطقه بالا باشد. این پژوهش با هدف کمک به شناسایی مؤلفه‌ها و شاخص‌های کالبدی مؤثر بر جرم‌خیزی فضا و ارائه الگوهای نظری جهت شناخت، فهم و درک تحلیل سازمان‌یابی فضاهای امن شهری، به تبیین راه‌هایی در جهت ارتقای احساس امنیت در یک فضای نمونه (محله چهارباغ مشهد) کاربست یافت. با توجه به آنچه گفته شد، توجه به مفهوم امنیت شهروندان و روش‌های ارتقای آن به یکی از اولویت‌های اساسی جوامع امروزی تبدیل شده است. در این میان، جدای از تأثیرات عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... بر الگوهای رفتاری شهروندان در ایجاد فضاهای امن شهری، تبیین ویژگی‌ها و اثرات مترتب بر نقش کالبدی شهر در جهت کاهش جرایم شهری موضوع با اهمیتی است که باید مورد مذاقه قرار گیرد. حال آنکه، یکی از مسائل و آسیب‌های اجتماعی که امروزه بافت‌های قدیمی با آن دست به‌گریبان هستند، مسئله کاهش امنیت شهروندان در این‌گونه فضاهاست که در صورت عدم توجه و رسیدگی به آن‌ها، محلات سنتی مذکور به‌سمت فرسودگی کالبدی و عملکردی سوق داده خواهند شد. بنابراین می‌توان جهت غلبه بر این مسئله، ریشه آن را در عوامل کالبدی مؤثر بر ناامنی فضا و در قالب تئوری‌های نوین شهرسازی، همچون رویکرد CPTED جست‌وجو نمود؛ لذا می‌توان با بهره‌گیری از استراتژی‌های رویکرد فوق، همچون نظارت غیررسمی و رسمی، کنترل دسترسی، آگاهی از محیط و مدیریت و نگهداری در جهت سامان‌دهی کالبدی و عملکردی محله و نیز ایجاد فضاهای ایمن محله‌ای اقداماتی شهرسازانه در جهت بهبود کیفیت محیطی و تجدید حیات محله چهارباغ و محلات مشابه در بافت‌های فرسوده و تاریخی شهر مشهد و دیگر شهرها انجام داد. نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش نشان می‌دهد در آمیختگی عوامل کالبدی و محیطی در فضاهای شهری بر وقوع جرم نقش مؤثری

- دارد و همچنین بین مؤلفه‌های کالبدی در طراحی شهری و مسئله وقوع جرم رابطه معناداری وجود دارد؛ به طوری که کالبدی‌های نامنظم و بدون فرم و شکل برنامه‌ریزی شده بر وقوع جرم می‌افزایند.
۱. نظر شهروندان در رابطه با میزان روشنایی محله که با پیش‌گیری از جرایم ارتباط دارد این است که محله در شب روشنایی کافی ندارد. در این زمینه، پیشنهاد تعبیه چراغ‌های روشنایی با فواصل مناسب داده شده است.
 ۲. از آنجا که شلوغی و رفت‌وآمد اهالی محله بر پیش‌گیری از جرم تأثیر زیادی می‌گذارد، پیشنهاد ایجاد فضاهای عمومی دارای سرزندگی، که باعث تشویق شهروندان به حضورپذیری بیشتر در محله می‌شود، داده شده است.
 ۳. درون محله فضاهای مخفی، کور و کنج‌دار زیادی، که برای مجرمان فرصت محسوب می‌شود، وجود دارد؛ از این رو پیشنهاد برنامه‌ریزی برای از بین بردن این کنج‌ها داده شده است.
 ۴. طبق نظر شهروندان، از آنجا که تأثیر جریان فعالیت‌ها بر پیش‌گیری از جرم زیاد است، پیشنهاد استقرار کاربری‌های شبانه بر اساس کمبود فعالیت‌های شبانه‌روزی و همچنین خلوتی محله در شب داده شده است.
 ۵. در این زمینه، استقرار ایستگاه‌های نیروی انتظامی نزدیک مکان‌هایی که تجمع واحدهای مسکونی بیشتر است و همچنین برای امنیت خاطر ساکنان محله و افرادی که برای استفاده از کاربری‌های شبانه می‌آیند، پیشنهاد شده است.
 ۶. پیشنهاد تخریب ابنیه قدیمی و فاقد ارزش داده شده است تا بتوانیم با استفاده از اراضی آزادشده و فضاهای خالی موجود پارک‌های کوچک‌مقیاس برای گروه‌های سنی مختلف در محله ایجاد کنیم.
 ۷. طبق نظر شهروندان، مقیاس و ارتفاع ساختمان‌ها با عرض معابر متناسب نیست. البته غیر از این عدم تناسب کوچه‌های تنگ و باریک زیادی درون محله وجود دارد که جزو فضاهای بی‌دفاع و ناامن محسوب می‌شوند، بنابراین پیشنهاد تعریض معابر کم‌عرض داده شده است.
 ۸. طبق نظر شهروندان، نفوذپذیری بر پیش‌گیری از جرم در محله تأثیر زیادی می‌گذارد. از آنجا که قطعات ریزدانه در بافت محله موجود است، پیشنهاد تجمیع این قطعات و تبدیل به واحدهای درشت‌تر داده شده است.
 ۹. برای افزایش مطلوبیت هوای محله پیشنهاد ایجاد حاشیه‌های سبز در معابر حرکتی، به‌ویژه در مسیرهای عابرین پیاده داده شده است.

منابع

۱. اربابی، آزاده (۱۳۷۹)، بررسی رفتار در جغرافیای رفتاری، فصلنامه دانش جغرافیا، سال اول، شماره ۲، (۲ صفحه- از ۱۱ تا ۱۲).
۲. امین‌زاده، بهناز و دخی افشار (۱۳۸۱). طراحی و الگوهای رفتاری: پیشنهاد برای بهسازی پارک‌های شهری، فصلنامه محیط‌شناسی، شماره ۴۲، ۴۳-۶۰.
۳. بحرینی، سید حسین (۱۳۷۷)، فرایند طراحی شهری، انتشارات دانشگاه تهران.
۴. پارسی، حمیدرضا (۱۳۷۹)، فضای شهری، حیات مدنی و نیروهای اجتماعی- فرهنگی، نمونه موردی: خیابان کارگر، پایان‌نامه دکتری، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
۵. پاکزاد، جهان‌شاه و حمیده بزرگ (۱۳۹۱)، الفبای روان‌شناسی محیط برای طراحان، انتشارات آرمانشهر، چاپ پنجم.
۶. پاکزاد، جهان‌شاه، (۱۳۸۶) «مبانی نظری و فرایند طراحی شهری»، نشر شهیدی، تهران.
۷. توسلی، محمود (۱۳۷۲)، طراحی فضاهای شهری، تهران مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
۸. تولایی، سیمین، علی‌زاده، سید دانا، علی‌زاده، پرستو، ۱۳۹۱، تحلیلی بر اثرات ساختار محیط‌های شهری در امنیت گردشگران، نمونه موردی: حوزه ثامن مادرشهر مشهد، مجله معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، شماره ۱۱، پاییز و زمستان، ۲۷۹-۲۹۲.
۹. جیکوبز، جین (۱۳۸۶)، مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی، ترجمه حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۰. خطیبی، سید محمدرضا (۱۳۹۰)، تأثیر متقابل الگوهای رفتاری در احیای هویت محیط شهر، نشریه هویت شهر، سال ۷، شماره ۱۳، ۶۳-۷۲.
۱۱. رستم‌زاده، یاور، محمد رنج‌آزمای آذری، سید مجید نادری و هادی محمودی‌نژاد (۱۳۸۷)، روش‌های ارزیابی رفتارهای شهروندی در فضاهای شهری در رویکرد فراتحلیل، فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره ۱۲، شماره ۳، ۱۷۵-۱۹۰.
۱۲. رضایی، سولماز و برومند رضایی (۱۳۹۰)، تعاملات اجتماعی زنان در فضاهای عمومی شهری: وجود یا عدم وجود. سومین کنفرانس ملی عمران شهری. دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنجند.
۱۳. رفیعیان، مجتبی و زهرا خدائی (۱۳۸۸)، بررسی شاخص‌ها و معیارهای مؤثر بر رضایت‌مندی شهروندان از فضاهای عمومی شهری، فصلنامه راهبرد، سال ۱۸، شماره ۵۳، ۲۲۷-۲۴۸.
۱۴. زیاری، کرامت‌الله، امیر اشنویی، مجتبی روستا (۱۳۹۵)، عوامل مؤثر در احساس آرامش در فضاهای سبز و تفریحی در شهر کاشان، فصلنامه علمی پژوهشی فضای جغرافیایی، سال شانزدهم، شماره ۵۴، ۱۳۵-۱۳۵.
۱۵. سروری، محمدحسین (۱۳۹۲)، «قلمرو روان‌شناسی»، انتشارات: نکته، چاپ: اول.
۱۶. صالحی، اسماعیل (۱۳۸۷)، ویژگی‌های محیطی فضاهای شهری امن، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، صص: ۱۰۷ تا ۱۱۴

۷۷. صالحی، اسماعیل (۱۳۹۰)، نقش شهرسازی (نظریهٔ محیطی) در پیش‌گیری از رفتارهای ناهنجار شهری، *هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی*، شمارهٔ ۳۹، ۱۲۷-۱۳۷.
۸۸. صالحی، اسماعیل (۱۳۸۶). نقش آسایش محیطی فضاهای شهری در پیش‌گیری از ناهنجاری‌های رفتاری، *محیط‌شناسی*، شمارهٔ ۴۴.
۹۹. عمید، حسن (۱۳۸۳)، *فرهنگ فارسی عمید*، انتشارات امیر کبیر، تهران.
۱۰۰. فکوهی، ناصر (۱۳۸۳)، «انسان‌شناسی شهری»؛ انتشارات: نشر نی، چاپ: اول.
۱۱. کریر، راب (1384)، *فضای شهری*، ترجمهٔ خسرو هاشمی‌نژاد، نشر خاک.
۲۲. گنجی، حمزه (۱۳۸۶)، «*مبانی روان‌شناسی عمومی*»؛ انتشارات: نشر روان، چاپ: دوازدهم.
۳۳. گنجی، حمزه، (۱۳۹۵)، «*روان‌شناسی عمومی*»؛ انتشارات: نشر ساوالان، چاپ: اول.
۴۴. لطیفی، امین و حسن سجاذزاده (۱۳۹۳)، ارزیابی تأثیر مؤلفه‌های کیفیت محیطی بر الگوهای رفتاری در پارک‌های شهری، *فصلنامهٔ مطالعات شهری*، شمارهٔ ۱۱، ۵-۲۰.
۵۵. محمدزاده، محمد، یوسف‌پور طرقي، وحید، رضایی مقدم، علی، پارسایی جم، محمد، ۱۳۹۲، بررسی وضعیت کالبدی بافت مرکزی شهرها با استفاده از GIS و AHP (مطالعهٔ موردی: منطقهٔ ثامن شهرداری مشهد)، *پنجمین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری*، دانشگاه فردوسی مشهد.
۶۶. مرصوصی، نفیسه و سارینا عظیمی (۱۳۹۶)، نقش عوامل محیطی و کالبدی در ارتقای امنیت فضاهای شهری (نمونهٔ موردی: منطقهٔ ۸ شهرداری تهران)، *فصلنامهٔ علمی- پژوهشی و بین‌المللی انجمن جغرافیایی ایران*، شمارهٔ ۵۲، ۱۳۷-۱۵۴.
۷۷. مستوفی‌المالکی، رضا و فریبا بهرامی (۱۳۹۳)، تبیین نقش شاخص‌های کالبدی در جهت ارتقای امنیت شهروندان با رویکرد C.P.T.E.D مطالعهٔ موردی: بافت فرسودهٔ محلهٔ زینبیهٔ اصفهان، *مجلهٔ جغرافیا و توسعهٔ فضای شهری* «بهار و تابستان ۱۳۹۶- شمارهٔ ۹، ۱-۲۱.
۸۸. موسوی، امیر، حسین بهروان (۱۳۸۶)، «*طرح آمایش فرهنگی شهر مشهد*»، دفتر مطالعات اجتماعی شهرداری مشهد.
۹۹. نایبی، هوشنگ و مهدی سلیمانی (۱۳۹۶)، بررسی رابطهٔ وضعیت کالبدی- فضایی و وقوع جرم (نمونهٔ موردی: بابل)، *فصلنامهٔ برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، شمارهٔ ۲۵، ۱-۲۲.
۱۰۰. نیومن، اسکار (۱۳۸۷)، *خلق فضاهای قابل دفاع*. ترجمهٔ فائزه رواقی و کاوه صابر، تهران: انتشارات هله.

31. Bailey, Merridee L., Amy Milka, Craig Lyons, David Lemmings, Gordon Raeburn, Katie Barclay, Roger Patulny, and Thomas Bristow. (2015). **Liveable Cities: Who Decides What That Means and How We Achieve It?** The Conversation, October 27. Available online: <http://theconversation.com/liveable-cities-who-decides-whatthat-means-and-how-we-achieve-it-48825> (accessed on 17 March 2019).

32. Fennelly, Lawrence J., and Marianna A. Perry. (2018). **The Premise of Third-Generation CPTED. In CPTED and Traditional Security Countermeasures: 150 Things You Should Know.** Edited by Lawrence Fennelly and Marianna Perry. Boca Raton: CRC Press, chp. 112. [CrossRef]

33. Gough, Meghan Z. (2015). Reconciling Livability and Sustainability: **Conceptual and Practical Implications for Planning**. Journal of Planning Education and Research 35: 145–60. Available online: https://archives.huduser.gov/sci/sites/default/files/pdf/2015_VCU_Gough_Journal-of-Planning-Education-and-Research.pdf (accessed on 31 May 2019). [CrossRef]
34. Jacobs, J. (1981) "**The Life and Death of Great American Cities**" New York, Random House.
35. Kalantari Khalil Abad, Hossein, Hatami nejad, Hojat, (2016), Presentation and explanation of a system model of human behavior in urban areas (Case Study: Sajjad Boulevard and Imamieh Boulevard in Mashhad), **International Academic Journal of Social Sciences** 3(2): 34-42.
36. Lynch, K., (1993), **Portrait of the city**, Translated by: Mozayyeni, M., Tehran University Press, Tehran. (In Persian)
37. Mihinjac, Mateja & Saville, Gregory, (2019), Third-Generation Crime Prevention Through Environmental Design (CPTED), **Social Sciences** (MDPI), 8, 182
38. Miller, Elisabeth, Gregory Saville, and Tarah Hodgkinson. (2015). The Return of Displacement: CPTED's Nightmare. **Paper presented at the 19th Bi-Annual Conference of the International CPTED Association**, Calgary, AB, Canada, October 18–20; Available online: <http://www.cpted.net/resources/Documents/ICACConf/2015/displacement.pdf> (accessed on 13 December 2016).
39. Montolio, Daniel. (2018). The Effects of Local Infrastructure Investment on Crime. **Labour Economics** 52: 210–30. [CrossRef]
40. Newman, O. (2009), **Defensible space: people and Design in the violet city**. Published London: Architectural Press.
41. Saville, Gregory, ed. (2018) **SafeGrowth: Building Neighborhoods of Safety & Livability**, Scotts Valley: Creat Space.
42. Tawfiq Abu-Ghazze (1994) "uman Purposes and the Spatial Formation of Open Spaces Al-Alkhalaf, Saudi Arabia," **Architecture & Behavior** 10(2): 21-54.
43. Taylor & Harrell, (1996), Assessment of environmental quality indicators of Bonab from the perspective of citizens, **5th Conference on Urban Planning and Management, Mashhad**. (In Persian)
44. Torres, Maruja–Antonini (2001), **Our Common House: Using The Built Environment to Develop Supportive Communities**, The University of Florida in Partial Fulfillment of The Requirements for The Degree of Doctor of Philosophy.
45. White, R. & Sutton, (1995), The correlation between environmental quality and sustainability of urban life in general: Case Study: Julfa, Isfahan, **The Iranian Journal of Nazar Research Center**, 9(21): 35- 46. (In Persian)
46. William L. Yancey, (1971) "Architecture, Interaction, and Social Control: The Case of a Larg Scale Public Housing Project," **Environment and Behavior**, 3(1): 3-21